

تأثیر بکارگیری الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس انشاء

حسین مؤمنی مهموئی^{۱*}، احمد رضا اوجی نژاد^۲

(۱) استادیار. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه

(۲) دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی واحد علوم و تحقیقات خوراسگان

* نویسنده مسؤل: Moameni_57@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله ۸۸/۱۱/۱۸ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۸۸/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله ۸۹/۲/۱۹

چکیده

موجب رشد و گسترش خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود. همچنین به کارگیری این الگو باعث رشد قابلیت سیالی، انعطاف‌پذیری، اصالت و بسط تفکر دانش‌آموزان می‌گردد. در مقایسه میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر که با الگوی تدریس بدیعه‌پردازی آموزش دیده‌اند (گروه آزمایش) در آزمون خلاقیت این نتیجه بدست آمد که بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر در خلاقیت و عناصر اصالت و بسط تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر در خلاقیت و عناصر اصالت و بسط بیشتر از میانگین دانش‌آموزان پسر در همین عوامل می‌باشد. اما در عناصر انعطاف‌پذیری و سیالی بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری مشاهده نگردید.

کلید واژه گان: الگوهای جدید تدریس، بدیعه‌پردازی، خلاقیت، تفکر خلاق، درس انشاء.

پژوهش حاضر با هدف شناسایی اثرات الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس انشاء و مقایسه با الگوی تدریس سنتی انجام گرفته است. روش تحقیق از نوع شبه‌تجربی است. جامعه تحقیق کل دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم راهنمایی مدارس دولتی دوره راهنمایی تحصیلی شیراز در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ به تعداد ۲۵۲۰۰ نفر بودند. می‌باشد که در ۹۰۰ کلاس پایه دوم راهنمایی به تحصیل مشغول‌اند. نمونه آماری شامل ۱۰۰ دانش‌آموز پایه دوم راهنمایی می‌باشد. نمونه تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده است. ابزار پژوهش عبارت از آزمون سنجش خلاقیت تورنس (فرم ب)، راهنمای استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی، فرم جمع‌آوری اطلاعات برای هم‌تا کردن گروه‌ها می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که: به کارگیری الگوی تدریس بدیعه‌پردازی

مسائل حل شده به عنوان فرآورده‌های علم به حافظه نمی‌تواند دانش‌آموزان را برای زیستن در آینده‌ای که مسایل آن غیر قابل پیش‌بینی می‌باشد آماده سازد. در زمان حاضر مهمترین وظیفه آموزشی در مدرسه‌ها، یاد دادن شیوه‌های یادگیری و پرورش مهارت‌هایی است که فرد را قادر می‌سازد، خود راه‌حل‌های مسأله و کشف مجهولات را بیابد. با توجه به این تغییرات است که تحولی اساسی در برنامه‌های درسی مدارس و شیوه‌های تدریس در کشورمان ضروری است. توجه جدی و عمیق به موضوع خلاقیت و کارهای خلاق به سال‌های ۱۹۵۰ برمی‌گردد. در اوایل این دهه گیلفورد^۱ پروژه تحقیقاتی خود را در زمینه استعدادها^۲ خلاق^۳ انجام داد. اسبورن^۴ کتاب خود را به نام تصورات علمی^۵ منتشر ساخت و بنیاد تفکر خلاق را تأسیس نمود. تیلور^۶ با تهیه فهرستی از سرگذشت و خصوصیات افراد با استعداد کنفرانس‌هایی را در زمینه استعدادها^۷ خلاق در علوم ارائه داد (کراس شل و دوریس به نقل از جوادیان، ۱۳۷۸، ص ۱۴). علی‌رغم اینکه برخی معتقدند خلاقیت آموزش‌پذیر نیست، تورنس^۶ (۱۹۷۳) اشاره می‌کند که طی پانزده سال تجربه در مطالعه آموزش تفکرات خلاق، شواهدی را دیده است که نشان می‌دهد خلاقیت را می‌توان آموزش داد (کراس شل و دوریس به نقل از جوادیان، ۱۳۷۸، ص ۱۶). فلدهوسن و همکارانش (۱۹۸۶) می‌گویند پاسخ این سؤال که «آیا خلاقیت را می‌توان آموزش داد؟» مثبت است. آنان روش‌های جالبی را برای پرورش خلاقیت ارائه می‌دهند. همچنین تورنس در

در سال‌های اخیر خلاقیت یکی از محورهای مورد بحث در آموزش و پرورش بوده است و همچنین به این نکته توجه شده است که بایستی روند آموزش برای فراگیرندگان روندی پویا باشد، دانش‌آموزان خود فعالانه در امر آموزش شرکت‌کنند، تفکر کنند و ایده‌های بکر ارائه نمایند، ابراز ایده‌هایی که هم مربوط و هم غیر معمول باشد و دیدن آنچه که در ورای واقعیت کنونی نهفته است، به جای اینکه فراگیرندگان فقط از آموزگاران و یا کتاب‌های خویش دانش را فراگیرند بتوانند آنچه را که خود می‌آموزند دوباره با هم ترکیب کنند و محصول نویی ایجاد نمایند، با توجه به اهمیت این موضوع است که بایستی جریان تعلیم و تربیت را به سمت آموزش پویا سوق داد تا کودکان فعالانه در جریان آموزش شرکت کنند و با مهیا شدن زمینه‌های بروز ایده‌های نو و بدیع توانایی خلاقیت و آفرینندگی را در خویش بارور کنند و در دوران تحصیل و زندگی این توانایی را بکار گیرند. با توجه به روند کنونی آموزش و پرورش که با بهره‌گیری از روش تعلیم و تربیت سنتی تأکید فراوان بر فراگیرندگان مطالب درسی، کسب نمرات عالی بدون هر گونه دخل و تصرف و عدل از مواد و محدوده تعیین شده دارد عملاً نوآوری و ابتکار را از دانش‌آموزان سلب می‌نماید به همین دلیل پژوهشگران سعی می‌نمایند با انجام تحقیقی به بررسی تأثیر بکارگیری الگوی تدریس بدیعه پردازی به عنوان یکی از روش‌های فعال تدریس بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان بپردازند. امروزه رویکرد جهانی به مقوله یادگیری و آنچه که دانش‌آموزان بایستی یاد بگیرند به گونه‌ای دیگر است. اکنون دیگر آموختن مجموعه‌ای از دانستنی‌ها و سپردن انبوهی از

1. Guilford

2. Creative Talent

3. Osborn

4. Scientific Imagination

5. Taylor

6. Torrance

کتاب خود ۱۴۲ پژوهش را ذکر می‌کند که همه بیانگر این واقعیت هستند که خلاقیت را می‌توان آموزش داد (عابدی، ۱۳۷۲، ص ۳۰). به همین دلیل است که بکارگیری شیوه‌های نوین تدریس از جمله بدیعه‌پردازی می‌تواند در رشد و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان مؤثر باشد. همچنان‌که گوردون (۱۹۷۶) بیان می‌دارد، بدیعه‌پردازی در گسترش توان کلی خلاقیت و رشد پاسخ‌های خلاق در زمینه‌های گوناگون مطالب درسی به کار می‌رود (جوینس به نقل از بهرنگی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۶). در اینجا ذکر این نکته ضروری است که دو راهبرد یا دو الگوی تدریس مبتنی بر روش‌های بدیعه‌پردازی وجود دارد، یکی از آنها (خلق چیزی جدید) برای آن تدوین شده است تا آشنا را غریب گرداند و به شاگردان کمک کند تا مسایل، نظریات یا فرآورده‌های قدیمی را در پرتو خلاقیتی بیشتر و تازه ببینند. راهبرد دیگر غریب را آشنا ساختن برای آن تدوین شده است تا عقاید جدید و نا آشنا را معنادارتر نماید. از آنجا که درس مورد نظر در این پژوهش انشاء می‌باشد از شیوه اول بدیعه‌پردازی که بطور مستقیم در نوشتن خلاق به کار می‌رود استفاده می‌گردد. درس انشاء در مقایسه با سایر دروس شیوه و فن آموزش خاصی را در مدارس ندارد و تکلیف آن برای معلمان و دانش‌آموزان به شیوه‌های خاص، معین و مشخص نیست لذا به کارگیری یک الگو و روش در درس انشاء جهت پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در نوشتن ضرورت می‌نماید.

بالا در تمام دروس و نهایتاً کسب معدل ممتاز کردند تا هم شاگردان بتوانند خود را در مدرسه و خانواده مطرح سازند و احیاناً به راحتی به مدارس که شرط معدل ملاک پذیرش آنها است راه یابند و هم اینکه در زمان ارزشیابی معلمان و مربیان بتوانند به دلیل موفقیت دانش‌آموزان‌شان از امتیاز مناسب برخوردار گردند. بنابراین در چنین شرایطی جای برای نوآوری و به کارگیری شیوه‌های فعال تدریس و ابراز ایده‌های بدیع و تفکر خلاق باقی نمی‌ماند. از آنجایی که پرورش خلاقیت در واقع عالی‌ترین هدف آموزش و پرورش در سطوح مختلف تحصیلی است (سیف، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶). با کاربردی نمودن این روش که با صرف هزینه‌ای اندک و با آموزش مربیان علاقمند و توجیه آنان امکان‌پذیر است می‌توان این روش را در سطح وسیعی به کار گرفت. از این رو در این تحقیق سعی بر آن است که به این سؤال پاسخ داده شود: آیا استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی (راهبرد اول این الگو) می‌تواند در رشد خلاقیت دانش‌آموزان در درس انشاء مؤثر واقع شود؟ در راستای پاسخ‌دهی به این سؤال، پژوهشگران فرضیه‌های زیر را تدوین نموده‌اند:

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت روانی یا سیال تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس انشاء است.
- ۲- استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت انعطاف‌پذیری تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس انشاء است.

مطالعات انجام شده پیرامون بررسی جو حاکم بر نظام آموزشی کشور به این نتیجه رسیده‌اند که در این نظام سعی معلم و دانش‌آموز همواره معطوف به این موضوع است که دانش‌آموزان، موفق به کسب نمرات

گواه) که با روش سنتی آن چنان که در مدارس معمول است آموزش می‌بیند از این گروه فقط پیش آزمون، پس آزمون گرفته می‌شود.

دیگرام طرح آزمون مقدماتی و نهایی با گروه کنترل و بدون استفاده از گزینش تصادفی

گروه	آزمون مقدماتی	متغیر مستقل	آزمون نهایی
آزمایش	T ₁	X	T ₂
کنترل	T ₁	-	T ₂

هر دو گروه همزمان و قبل از دخالت متغیر مستقل در زمینه خلاقیت مورد آزمون قرار گرفتند در مدت اجرای طرح، گروه آزمایش در معرض متغیر مستقل (استفاده از روش تدریس بدیعه‌پردازی) قرار گرفت اما گروه کنترل با همان روش متداول در مدرسه در زمینه تدریس انشاء آموزش داده شدند پس از اجرای طرح که حدود ۱۶ هفته به طول انجامید هر دو گروه مجدداً در زمینه خلاقیت مورد آزمایش قرار گرفتند.

متغیرهای تحقیق. در این مطالعه روش تدریس در سطح بدیعه‌پردازی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد تا تأثیر آن بر روی پرورش خلاقیت دانش‌آموزان یعنی متغیر وابسته مورد مطالعه قرار گیرد. در این تحقیق فرایند یادگیری را که مشاهده آن به طور مستقیم امکان‌پذیر نمی‌باشد و تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهد را می‌توان متغیر مداخله‌گر این مطالعه به حساب آورد. از آنجا که متغیرهای تعدیل‌کننده جهت یا میزان رابطه میان متغیرهای وابسته و مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهند در این مطالعه هوش را می‌توان به عنوان متغیر تعدیل‌کننده محسوب کرد. هر چند کنترل تمام عوامل تهدید کننده اعتبار یک پژوهش در علوم اجتماعی و

۳- استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت ابتکار یا اصالت تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس انشاء است.

۴- استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت بسط تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس انشاء است.

۵- بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر در عامل قابلیت روانی یا سیالی تفکر آزمون خلاقیت تفاوت معنادار وجود دارد.

۶- بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر در عامل قابلیت انعطاف‌پذیری تفکر آزمون خلاقیت تفاوت معناداری وجود دارد.

۷- بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر در عامل قابلیت ابتکار یا اصالت تفکر آزمون خلاقیت تفاوت معنادار وجود دارد.

۸- بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر در عامل قابلیت بسط تفکر آزمون خلاقیت تفاوت معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع شبه تجربی می‌باشد. در این تحقیق از طرح شبه تجربی با استفاده از پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بدون استفاده از انتخاب تصادفی استفاده می‌گردد. پژوهشگر در این تحقیق با دو گروه آزمودنی سروکار دارد: ۱- گروه آزمایش (تجربی) که با روش بدیعه‌پردازی آموزش می‌بیند. مدت اجرای آزمایش حدود ۱۶ هفته و در هر هفته یک جلسه ۶۰ دقیقه‌ای می‌باشد. ۲- گروه کنترل

کنترل می‌باشند که در گروه کنترل ۵۰ دانش‌آموز و در گروه آزمایش نیز ۵۰ دانش‌آموز حضور داشتند.

ابزار پژوهش. در این پژوهش ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات عبارتند از:

۱- آزمون سنجش تفکر خلاق تورنس، فرم تصویری (ب). فرم تنظیمی جمع‌آوری اطلاعات برای کنترل متغیرهای سن، جنس، معدل، میزان تحصیلات والدین، شغل والدین و سابقه کار معلمان کلاس‌های مورد پژوهش.

۲- استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی جهت شناسایی تأثیر آن بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان.

عمده‌ترین انگیزه انتخاب آزمون تفکر خلاق تورنس از بین آزمون‌های موجود برای اندازه‌گیری خلاقیت، کارایی بالای این آزمون هم از نظر اعتبار و پایایی بوده است و هم اینکه تاکنون در پژوهش‌های تربیتی فراوان مورد استفاده قرار گرفته است تا کنون در بیش از دو هزار پژوهش که نتایج آن در مجلات معتبر علمی چاپ شده است از آزمون تورنس به عنوان وسیله اندازه‌گیری خلاقیت استفاده شده، این آزمون دارای ضریب پایایی ۸۰٪ تا ۹۰٪ است (پیرخانی، ۱۳۷۳، ص ۵۰). مجموعه آزمون‌های تورنس شامل ۱۲ آزمون است که به بخش‌های کلامی، تصویری، شنیداری، طبقه‌بندی شده‌اند و بدین ترتیب تفکر خلاق با واژه‌ها، تفکر خلاق با تصاویر، و تفکر خلاق با صداها نامیده می‌شوند و از سطح کودکان تا دوره های بعد از دانشگاه قابل استفاده‌اند.

تربیتی مشکل است ولی اقدامات زیر برای حذف متغیرهای مزاحم به عمل آمده است: عامل آزمون، احتمال انتشار یا تقلید عمل گروه آزمایش بر گروه کنترل، عامل پختگی و بلوغ، همتایی گروه‌ها.

جامعه آماری. جامعه آماری در این تحقیق عبارتست از کل دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم راهنمایی مدارس دولتی دوره راهنمایی تحصیلی شیراز که در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ در این شهر مشغول به تحصیل می‌باشند. تعداد دانش‌آموزان جامعه ۲۵۲۰۰ نفر می‌باشد که در ۹۰۰ کلاس پایه دوم راهنمایی به تحصیل مشغول‌اند.

نمونه و روش نمونه‌گیری. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای می‌باشد. بدین ترتیب که ابتدا از میان نواحی تحت پوشش و آموزش و پرورش شیراز یک ناحیه به صورت تصادفی انتخاب و از میان مدارس آن ناحیه ۴ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب می‌گردند. از میان این چهار مدرسه، دو مدرسه به صورت تصادفی برای گروه آزمایش و دو مدرسه برای گروه کنترل انتخاب گردید، که در هر یک از گروه‌ها (آزمایش و کنترل) یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه وجود داشت و در این مدارس کلاس‌های پایه دوم راهنمایی به عنوان گروه‌های آزمایش و کنترل انتخاب شدند. کلاس‌های گروه کنترل را دو معلم مختلف آموزش می‌دادند که هیچ کدام از آنها در جریان اهداف پژوهش قرار نگرفتند. تعداد مدارس ناحیه انتخاب شده ۴۴ مدرسه می‌باشند که شامل ۲۰ مدرسه پسرانه و ۳۴ مدرسه دخترانه است. تعداد افراد گروه نمونه ۱۰۰ نفر در دو گروه آزمایش و

مورد مقایسه قرار می‌گیرد تا مشخص گردد: آیا تفاوت نمرات حاصل از آزمون مقدماتی و نهایی (پیش آزمون و پس آزمون) ناشی از تأثیرات متغیر مستقل است یا حاصل شانس و تصادف می‌باشد.

یافته‌ها

فرضیه اول. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت روانی یا سیالی تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس انشاء است.

روش‌های آماری. در ابتدا با استفاده از روش‌های آمار توصیفی، میانگین، فراوانی، درصد، و انحراف معیار عوامل مورد کنترل که شامل سن، میزان تحصیلات والدین، شغل والدین، همچنین میزان سابقه کار معلمین دو گروه است مورد محاسبه قرار می‌گیرد، بعد با استفاده از همین روش‌ها نمرات آزمون خلاقیت در پیش آزمون و پس آزمون محاسبه می‌شود. سپس با بهره‌گیری از آمار استنباطی از طریق آزمون پارامتریک t برای گروه‌های مستقل معنی‌دار بودن تفاوت نمرات

جدول شماره ۱. آزمون t مستقل بین نمرات پس آزمون دو گروه کنترل و آزمایش در عامل روانی یا سیالی تفکر

گروه‌ها/ شاخص	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	t محاسبه شده	t بحرانی سطح معناداری
آزمایش	۵۰	۲۳/۴۸	۳/۱۸	۶/۶۴	۱/۹۸
کنترل	۵۰	۱۸/۶۲	۳/۴۰		۰/۰۰۰

بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت سیالی تفکر دانش‌آموزان تأیید می‌گردد. بنابراین بین دو گروه آزمایش و کنترل در عامل سیالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت انعطاف‌پذیری تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس انشاء است.

در جدول شماره ۱، نتایج آزمون t مستقل بین دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون برای عامل سیالی وارد شده است. براساس نتایج مندرج در جدول در درجه آزادی ۹۸ و در سطح خطای ۰/۰۵ مقدار t بدست آمده ۶/۶۴ می‌باشد که این مقدار از t جدول ۱/۹۸ بزرگ‌تر است. در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و فرضیه اول یعنی اثر بخشی الگوی تدریس

جدول شماره ۲. آزمون t مستقل بین نمرات پس آزمون دو گروه کنترل و آزمایش در عامل انعطاف‌پذیری تفکر

گروه‌ها/ شاخص	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	t محاسبه شده	t بحرانی سطح معناداری
آزمایش	۵۰	۱۹/۰۴	۳/۸۰	۶/۵۵	۱/۹۸
کنترل	۵۰	۱۴/۶۰	۲/۹۴		۰/۰۰۰

مقدار t بدست آمده ۶/۵۵ می‌باشد که این مقدار از t جدول ۱/۹۸ بزرگ‌تر است. در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و فرضیه دوم یعنی اثر بخشی الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت سیالی تفکر دانش‌آموزان

در جدول شماره ۲ نتایج آزمون t مستقل بین دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون برای عامل انعطاف‌پذیری آورده شده است. براساس نتایج مندرج در جدول در درجه آزادی ۹۸ و در سطح خطای ۰/۰۵

تأیید می‌گردد. بنابراین بین دو گروه آزمایش و کنترل در عامل سیالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس انشاء است.

فرضیه سوم. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت ابتکار یا اصالت تفکر

جدول شماره ۳. آزمون t مستقل بین نمرات پس آزمون دو گروه کنترل و آزمایش در عامل ابتکار یا اصالت تفکر

گروه‌ها/ شاخص	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	t محاسبه شده	t بحرانی	سطح معناداری
آزمایش	۵۰	۲۵/۳	۷/۶۸	۳/۸۸	۱/۹۸	۰/۰۰۰
کنترل	۵۰	۱۹/۸	۶/۳۵			

در جدول شماره ۳، نتایج آزمون t مستقل بین دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون برای عامل اصالت وارد شده است. براساس نتایج مندرج در جدول در درجه آزادی ۹۸ و در سطح خطای ۰/۰۵ مقدار t بدست آمده ۳/۸۸ می‌باشد که این مقدار از t جدول ۱/۹۸ بزرگ‌تر است. در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و فرضیه سوم یعنی اثر قابلیت ابتکار یا اصالت

فرضیه چهارم. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت بسط تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس انشاء است.

جدول شماره ۴. آزمون t مستقل بین نمرات پس آزمون دو گروه کنترل و آزمایش در عامل بسط تفکر

گروه‌ها/ شاخص	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	t محاسبه شده	t بحرانی	سطح معناداری
آزمایش	۵۰	۱۰۵/۷	۲۴/۰۱	۳/۹۹	۱/۹۸	۰/۰۰۰
کنترل	۵۰	۸۹	۱۶/۹۶			

در جدول شماره ۴، نتایج آزمون t مستقل بین دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون - خلاقیت برای عامل بسط آورده شده است. براساس نتایج مندرج در جدول در درجه آزادی ۹۸ و در سطح خطای ۰/۰۵ مقدار t بدست آمده ۳/۹۹ می‌باشد که این مقدار از t جدول ۱/۹۸ بزرگ‌تر است. در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و فرضیه چهارم یعنی اثربخشی الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت سیالی تفکر

فرضیه پنجم. بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر در درس انشاء در عامل رشد قابلیت روانی یا سیالی تفکر آزمون خلاقیت تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۵. آزمون t مستقل بین نمرات پس‌آزمون دختران و پسران گروه آزمایش در آزمون خلاقیت (عامل سیالی)

گروه‌ها/ شاخص	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	T محاسبه شده	T بحرانی	سطح معناداری
آزمایش	۲۵	۲۳/۵	۲/۵۰	۰/۲۰	۲	۰/۸۳
کنترل	۲۵	۲۳/۴	۲/۹۱			

نتایج آزمون نشان می‌دهد که چون مقدار t محاسبه شد $۰/۲۰$ است و از t جدول در سطح $۰/۰۵$ با درجه آزادی $۲/۴۸$ کوچکتر است، بنابراین فرضیه صفر رد می‌شود. یعنی بین میانگین نمرات دختران در آزمون خلاقیت عامل سیالی و نمرات پسران در مرحله پس از آزمون تفاوت معناداری وجود ندارد. بر این اساس فرض تحقیق پذیرفته می‌شود.

فرضیه ششم. بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر در درس انشاء در عامل انعطاف‌پذیری تفکر آزمون خلاقیت تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۶. آزمون t مستقل بین نمرات پس از آزمون دختران و پسران گروه آزمایش در آزمون خلاقیت (عامل انعطاف‌پذیری)

گروه‌ها/ شاخص	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	T محاسبه شده	T بحرانی	سطح معناداری
آزمایش	۲۵	۱۹/۰۰۰	۲/۴۸	-/۴۵	۲	۰/۹۶
کنترل	۲۵	۱۹/۰۴	۳/۶۹			

نتایج آزمون نشان می‌دهد که چون مقدار t محاسبه شد $۰/۴۵$ است و از t جدول در سطح $۰/۰۵$ با درجه آزادی $۲/۴۸$ کوچکتر است، بنابراین فرضیه ششم یعنی بین میانگین نمرات دختران در آزمون خلاقیت (عامل انعطاف‌پذیری) و نمرات پسران در مرحله ی پس از آزمون تفاوت معناداری وجود ندارد، تأیید می‌شود.

جدول شماره ۷. آزمون t مستقل بین نمرات پس از آزمون دختران و پسران گروه آزمایش در آزمون خلاقیت (عامل اصالت)

گروه‌ها/ شاخص	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	T محاسبه شده	T بحرانی	سطح معناداری
دختران	۲۵	۲۷/۹۲	۷/۰۷۲	۲/۷۵	۲	۰/۰۸
پسران	۲۵	۲۲/۲۸	۶/۷۱۱			

نتایج آزمون نشان می‌دهد که چون مقدار t محاسبه شد $۲/۷۵$ است و از t جدول در سطح $۰/۰۵$ با درجه آزادی $۲/۴۸$ کوچکتر است، بنابراین بین میانگین نمرات دختران در آزمون خلاقیت (عامل اصالت) و نمرات پسران در مرحله ی پس از آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه هفتم یعنی عدم تفاوت معنادار بین میانگین نمرات دختران و پسران در آزمون خلاقیت (عامل اصالت) رد می‌گردد، بدین معنی که میانگین نمرات دختران در عامل اصالت آزمون خلاقیت بیشتر از میانگین نمرات پسران در مرحله ی پس از آزمون می‌باشد.

فرضیه هشتم. بین میانگین نمرات دانش‌آموزان خلاقیت تفاوت معنادار وجود دارد.

دختر و پسر در درس انشاء در عامل بسط تفکر آزمون

جدول شماره ۸. آزمون t مستقل بین نمرات پس آزمون دختران و پسران گروه آزمایش در آزمون خلاقیت (عامل بسط)

گروه‌ها/ شاخص	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	محاسبه شده	بحرانی	سطح معناداری
آزمایش	۲۵	۱۱۴	۲۹/۶۳	۲/۴۶	۲	۰/۱۷
کنترل	۲۵	۹۷/۵۶	۱۵/۲۱			

فرضیه اول مبنی بر اینکه تدریس با الگوی بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت روانی پاسخ‌ها و ایده‌های دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس انشاء است، مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین می‌توان اظهار داشت که تدریس طبق الگو بدیعه‌پردازی باعث افزایش قابلیت روانی یا سیالی پاسخ‌های دانش‌آموزان می‌شود. بهره‌گیری از این شیوه آموزشی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا پاسخ و ایده‌های فراوانی در ارتباط با موضوع جدید که احیاناً ممکن است با آن برخورد نداشته‌اند از خود بروز دهند.

فرضیه دوم مبنی بر اینکه تدریس با الگوی بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت انعطاف‌پذیری پاسخ‌ها و ایده‌های دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس انشاء است، مورد تأیید قرار گرفت و با یافته‌های پژوهشی ریس و همکاران به نقل از رانکو (۱۹۹۹) همخوانی دارد. نتایج نشان داد که بهره‌گیری از الگوی بدیعه‌پردازی می‌تواند این را در دانش‌آموزان رشد دهد که در برخورد با مسایل و مشکلات هنگامی که تغییر شکل داده و یا از بعد دیگری مطرح می‌گردند، جهت فکر خود را تغییر داده و با مسأله همسو شوند. این موضوع برخلاف نظر و عمل تعداد زیادی از مربیان است چرا که بسیاری از معلمان همواره شاگردان را تشویق می‌کنند تا سؤال‌ها را عیناً همانند متن کتاب پاسخ داده، و یا در نگارش انشاء فقط به واقعیات توجه نموده و در واقع انشاء توصیفی بنویسند و به همان الگوهای پیش‌بینی شده توجه نمایند. نتیجه این روش رشد دانش‌آموزان قالبی و غیر قابل انعطاف است که به این مهم بایستی با توجیحات لازم و آموزش‌های مناسب مربیان، معلمان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت توجه خاص مبذول گردد.

نتایج آزمون نشان می‌دهد که چون مقدار t محاسبه شده ۲/۴۶ است و از t جدول در سطح ۰/۰۵ با درجه آزادی ۲/۴۸ بزرگ‌تر است، بنابراین بین میانگین نمرات دختران و پسران در آزمون خلاقیت (عامل بسط) تفاوت معناداری وجود دارد و فرضیه هشتم یعنی عدم تفاوت معنادار بین میانگین نمرات دختران و پسران در آزمون خلاقیت (عامل بسط) رد می‌گردد، بدین معنی که میانگین نمرات دختران در آزمون خلاقیت (عامل بسط) بیشتر از میانگین نمرات پسران در مرحله پس آزمون می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

اهداف کلی این تحقیق شناسایی اثرات الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در مقایسه با الگوی تدریس سنتی در درس انشاء و همچنین مقایسه دانش‌آموزان دختر و پسر که با الگوی تدریس بدیعه‌پردازی آموزش دیده‌اند در درس انشاء در رابطه با رشد خلاقیت است که در این رابطه هشت فرضیه مورد آزمون قرار گرفتند. روش تدریس با الگوی بدیعه‌پردازی در باروری و شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان مؤثرتر از روش‌های عادی و متداول است. این نتیجه با نتایج سایر تحقیقات از جمله تحقیقات افرادی همچون تورنس^۱ (۱۹۷۴)، رینوزل و والتر^۲ (۱۹۷۵) و اسمیت^۳ (۱۹۹۰) ریس و همکاران به نقل از رانکو^۴ (۱۹۹۹) و کروپلی^۵ (۲۰۰۱) که اظهار می‌دارند به کارگیری یک سری روش‌ها در جریان آموزش می‌تواند در رشد و شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان مؤثر واقع شود همسو می‌باشد.

^۱.Torrance

^۲. Renzulli & Walter

^۳. Smith

^۴. Runco

^۵.Croplry

فرضیه سوم مبنی بر اینکه تدریس با الگوی بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت اصالت پاسخ‌ها و ایده‌های دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش عادی و متداول در درس انشاء است مورد تأیید قرار گرفت و با یافته‌های پژوهشی ریس و همکاران به نقل از رانکو (۱۹۹۹) همخوانی دارد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که تدریس طبق الگوی بدیعه‌پردازی باعث افزایش قابلیت ابتکار در پاسخ‌ها، ایده‌ها و فعالیت‌های دانش‌آموزان می‌شود، به عبارت دیگر بهره‌گیری از این الگوی تدریس، زمینه را برای بروز ایده‌های ابتکاری دانش‌آموزان فراهم می‌کند. این مهم یکی از اهداف نظامی تعلیم و تربیت کنونی دنیاست.

فرضیه چهارم مبنی بر اینکه تدریس با الگوی بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت بسط پاسخ‌ها و ایده‌های دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی و متداول در درس انشاء است مورد تأیید قرار گرفت و با یافته‌های پژوهشی ریس و همکاران به نقل از رانکو (۱۹۹۹) همخوانی دارد. بنابراین می‌توان اظهار نمود که تدریس طبق الگوی بدیعه‌پردازی باعث افزایش قابلیت بسط در پاسخ‌های دانش‌آموزان می‌شود، به عبارت دیگر بهره‌گیری از این روش می‌تواند دانش‌آموزان را توانا سازد تا هنگام برخورد با موضوعی جدید اعم از علمی، ادبی و اجتماعی ضمن توجه به مفهوم و محتوای اصلی به جزئیات نیز توجه کنند و قادر گردند تا شرح، توضیح و تفسیر مناسبی از جزئیات را هم ارائه دهند. اغلب دانش‌آموزان در مدارس مفاهیم را بصورت کلی آموخته و کمتر به جزئیات توجه نشان می‌دهند، در واقع عنصر بسط از توانایی‌هایی است که سبب توجه بیشتر به مسأله، دقت نظر، پی‌گیری و نهایتاً به نتیجه رساندن آن می‌شود.

هدف دوم این پژوهش و فرضیه‌های فرعی منشعب از آن (فرضیه‌های پنج، شش، هفت و هشت) میزان خلاقیت و عوامل چهارگانه ی آن را (اصالت، روانی، انعطاف‌پذیری، بسط) در دختران و پسران گروه آزمایش با هم مقایسه می‌کند. لازم به ذکر است که فرضیه پنجم و ششم تأیید می‌گردید، بدین معنا که بین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر در عوامل روانی و انعطاف‌پذیری در درس انشاء تفاوت معناداری وجود ندارد. اما فرضیه‌های هفتم و هشتم تأیید نمی‌شوند به عبارت دیگر در عوامل اصالت و بسط، دختران بالاترین نمرات را در مقایسه با پسران در درس انشاء کسب کرده‌اند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که میزان خلاقیت دانش‌آموزان دختر در درس انشاء بیشتر از پسران بوده است. با توجه به یافته‌های فوق می‌توان ادعا کرد که دانش‌آموزان دختر بیشتر بسط دهنده هستند و به جزئیات توجه بیشتری نشان می‌دهند و در انجام تکالیفشان دقت و توجه بیشتری را اعمال می‌کنند، همچنین دختران در مقایسه با پسران سعی در ارائه مطالب تازه‌تر و جدیدتر در انجام تکالیف شان دارند.

در پایان پژوهشگران بر اساس یافته‌های پژوهشی پیشنهادهای زیر را مطرح می‌نمایند:

۱- از آنجا که تحقیقات نشان داده است که روش‌های تدریس غیر فعال در رشد و پرورش قدرت خلاقه دانش‌آموزان به ویژه در درس انشاء نا موفق بوده‌اند، لذا به منظور افزایش قدرت خلاقه دانش‌آموزان به معلمان استفاده از روش‌های تدریس فعال پیشنهاد می‌گردد.

۲- با توجه به اینکه روش‌های غیر فعال و سنتی برای دانش‌آموزان خسته‌کننده است و در حین آموزش،

- فراگیرندگان کمتر در جریان یادگیری قرار می‌گیرند.
- بنابراین برخی از دانش‌آموزان ممکن است به جای تفکر پیرامون موضوعات درسی به موضوعات و مسایل نامربوط بپردازند. استفاده از روش‌های آموزش فعال از جمله بدیعه پردازی به عنوان راهبردی بسیار مناسب برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود.
- ۳- کاربرد روش بدیعه‌پردازی توسط معلم مستلزم صبر، بردباری و سرعت عمل است. در حین اجرای این روش ممکن است کلاس درس از آرامش و سکوت برخوردار نباشد. زیرا ماهیت این روش به گونه‌ای است که سر و صدا بین دانش‌آموزان ایجاد می‌شود. بنابراین به معلمانی که قصد استفاده از روش بدیعه‌پردازی را دارند پیشنهاد می‌شود که صبورانه عمل کنند و دانش‌آموزان را با حوصله هدایت کنند.
- ۴- نتایج این پژوهش حاکی از این است که به راحتی می‌توان یا یک دوره آموزشی کوتاه مدت برای معلمان و توجیه آنان درباره روش‌های رشد و شکوفایی خلاقیت این نوع روش‌ها را در حین برنامه آموزشی رسمی به کار گرفت. لذا پیشنهاد می‌شود تا این‌گونه آموزش‌ها در برنامه کار تربیت معلمان گنجانده شود.
- منابع
- پیرخانفی، علیرضا. (۱۳۷۲). *بررسی رابطه هوش و خلاقیت دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه دبیرستان‌های تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
 - سیف، علی‌اکبر. (۱۳۷۹). روان‌شناسی تربیتی. تهران: آگاه.
 - جویس، بروس، ویل، مارشا، کالهن، امیلی. (۱۳۸۱). *الگوهای جدید تدریس ۲۰۰۰*. ترجمه محمدرضا بهرنگی. تهران: کمال تربیت.
 - عابدی، جمال. (۱۳۷۲). *خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن*. مجله پژوهش‌های روان‌شناختی شماره ۱ و ۲۰.
 - کراس، شل، دوریس، جی. (۱۳۷۸). *آموزش رفتار خلاق و استعداد‌های درخشان در دانش‌آموزان*. ترجمه مجتبی جوادیان. مشهد: آستان قدس رضوی.
 - Cropley. j, Arthur. (2001). *Creativity in education and learning*. A guide for teachers and educators. Kogan page, London.
 - Renzulli, s, Joseph Barbe, B. Walter. (1975). *Psychology and education of the gifted*. New York, invington publishers, Inc.
 - Runco, Mark. A. (1999). *Tactics and strategies for creativity, encyclopedia of creativity*, volume 2, academic press.
 - Smith, G. j. W & Carlsson, L.M. (1990). *The creative process: A functional model based on empirical studies from childhood to middle age*. Madison, CT: international universities press. Inc
 - Torrance E.P. (1974). *Direction manual and scoring Guide figural test book at B. personnel pressing Lexington, Massachusetts*. PP.1-42.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 1, No. 2, spring 2010, No 2

The Impact of Syntactic Teaching Model on Improving Students Creativity in Composition Lessons

Moameni Mahmoudi. Hossein^{*1}, Aujineghad. Ahmad Reza²

1) Faculty member of Islamic Azad University. Torbat Heydarieh Branch

2) Candidate Doctoral, IAU Khorasgan Branch

* Corresponding author: Moameni57@yahoo.com

Abstract

The present research was conducted to determine the effect of Syntactics model of improving student's creativity in composition classes. A quasi-experimental design was used with 100 participants in the second grade of junior high school selected through cluster sampling. The instruments were a Torrance Creativity Test (Form B), Syntactics Teaching Model Checklist, and Data Collection Form for Group Matching. Independent T-test was used for data analysis through SPSS version 15 and the results indicate that the use Syntactics teaching model causes developments in student's creativity. Moreover, the application of this model brings about improvements in steam of consciences, flexibility, ingenuity, and thought expansion. In a comparison between the scores obtained by different genders as a result of Syntactics based instruction on the experimental group, it was found that females outperformed males significantly in creativity, ingenuity, and expansion. However, there was no significant difference between them in terms of flexibility and stream of consciousness.

Keywords: New Teaching Models, Syntactics, Creativity, Composition Lessons.